

## سرگذشت اولین فرستاده‌های لنین به تهران

اولین فرستاده‌های لنین رهبر انقلاب اکتبر روسیه و بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی به تهران سرگذشت تلخی داشتند. لنین بلافاصله پس از استقرار حکومت بلشویکی تمایل خود را به الغای کلیه حقوق و امتیازات روسیه‌ی تزاری در ایران و سایر نقاط جهان اعلام نمود و در 19 دسامبر 1917 دولت شوروی «اسدخان اسدبهار» کاردار ایران در پتروگراد پیشنهاد کرد مذاکره در مورد تخلیه‌ی ایران آغاز گردد. پس از چندی نیز دولت شوروی طی اعلامیه‌ی 14 ژانویه‌ی 1918 الغای کلیه امتیازات و حقوقی را که روس‌های تزاری به زور و جبر از ایران گرفته بودند منجمه قرارداد 1907 و کاپیتولاسیون و غیره را رسماً اعلام داشت و نیکلای براون 1 کنسول روسیه‌ی تزاری در خوی را که به رژیم جدید پیوسته بود، به عنوان نماینده‌ی مختار خود به تهران فرستاد. (28 ژانویه 1918) اما تخلیه‌ی ایران در عمل مواجه با اشکال شد زیرا ژنرال بارانوف و فرماندهی جبهه‌ی قفقاز از اجرای دستورات دولت شوروی سرباز زدند و همکاری خود را با حکومت ضد انقلابی ماورای قفقاز اعلام نمودند.

براون در ژوئیه 1918 وارد تهران شد ولی «فونتر» وزیر مختار تزاری حاضر نشد سفارت روس را به او تحویل دهد. لذا براون دریک هتل آتاقی گرفته پرچم سرخ داس و چکش را بر فراز آن برافراشت و با انتشار آگهی در روزنامه‌ها ورود خود به تهران و آمادگی برای مذاکره با دولت را اعلام نمود. اما دولت مستوفی‌الممالک در تهران در وضعی نبود که بتواند با نماینده‌ی دولت بلشویکی روسیه وارد مذاکره شود زیرا در آن زمان جنگهای داخلی بین ژنرال‌های طرفدار تزار و نیروهای سرخ به شدت در روسیه جریان داشت و اوضاع آن کشور به هیچ‌وجه روشن نبود. لذا براون پس از چندی اقامت در تهران بدون حصول نتیجه در اوایل پاییز در مأموریت دیگری عازم افغانستان شد و در غزنین به دست عمال انگلیسی به قتل رسید.

در 26 ژوئیه 1918 حکومت ایران به ریاست صمصام‌السلطنه تصویب‌نامه‌ای صادر کرد و به استناد اینکه اساس کاپیتولاسیون به موجب قرارداد ترکمانچای با دولت تزاری بوده و دولت مزبور دیگر وجود ندارد، پایان دوره‌ی قضاوت کنسولها و الغای کلیه قراردادهای و امتیازاتی را که به روسیه داده شده بود، اعلام کرد و مراتب را طی بخشنامه‌ای به سفارتخانه‌های خارجی مقیم تهران اطلاع داد. این تصویب‌نامه که به «مصوبه برج اسد» مشهور است جنجال بزرگی ایجاد کرد. سفارت انگلیس از قبول آن خودداری کرد و از دول ایران خواست تا پایان جنگ سرحدات خود را برای جلوگیری از ورود جاسوسان دشمن حفظ نموده و «پلیس جنوب» را به رسمیت بشناسد و در مقابل وعده داد پس از خاتمه جنگ استقلال ایران را محترم شمرده و قرارداد 1907 را ملغی و به ایران کمک مالی نماید. دولت ایران جواب داد انگلستان با اعزام نیرو و اشغال خاک ایران مساعی این دولت را در حفظ بی‌طرفی خود بیهوده ساخته است، پلیس جنوب یک نیروی خارجی به شمار می‌رود که تهدیدی نسبت به استقلال ایران است و بهتر است انگلستان ایران را به حال خود واگذارد و خاک این کشور را تخلیه کند تا بتواند بها صلاحات داخلی بپردازد. این پاسخ صریح و شجاعانه باعث کناره‌گیری صمصام‌السلطنه شد و یکبار دیگر وثوق‌الدوله که مورد حمایت لرد کرزن وزیر خارجه‌ی انگلیس بود در هفتم اوت 1918 کابینه‌ی جدید را تشکیل داد تا نقشه‌های جدیدی را که انگلیسی‌ها برای ایران کشیده بودند، اجرا کند.

در نتیجه‌ی تخلیه‌ی ایران از ارتش روس، بریتانیا در ایران بی‌رقیب گردیده بود و حکومت عثمانی نیز دیگر خطرناک شمرده نمی‌شد. در این موقع حیثیت و قدرت انگلستان در ایران به حدی رسیده بود که تا آن زمان سابقه نداشت. فرانسه و آمریکا فقط هیئتهای سیاسی در تهران داشتند، روسیه‌ی بلشویکی ناشناخته بود و قدرت تهدید کننده‌ی جدید محسوب نمی‌شد، در پایتخت دولت ناتوان آخرین پادشاه قاجار حکومت می‌کرد و انگلستان حاکم بلامناعز ایران بود.

در آغاز تابستان 1918 دولت شوروی نماینده‌ی سیاسی جدیدی به نام ایوان کولومیتسوف را که سابقاً دبیر کمیته‌ی انقلابی انزلی و آشنا به وضع ایران بود به تهران فرستاد. ورود کولومیتسوف به تهران مصادف با سقوط دولت کمونیستی آذربایجان به دست عناصر ضدانقلاب و پیاده شدن قوای ژنرال دانسترویل در باکو بود. در نتیجه ارتباط کولومیتسوف با روسیه‌ی شوروی قطع گردید. دولت وثوق‌الدوله نیز اعلام کرد که نماینده‌ی سیاسی شوروی را به رسمیت نمی‌شناسد چون استوارنامه‌هایش مخدوش است. معذالک کولومیتسوف در ماه اوت به طور غیررسمی با معاون وزارت امور خارجه ملاقات و پیشنهاد کرد دولت ایران بدون توجه به شناسایی رسمی روسیه‌ی شوروی درباره‌ی مسائل مرزی و احضار معلمین روسی بریگاد قزاق و همچنین روابط بازرگانی بین دو کشور با او وارد مذاکره شود. اما بقایای طرفداران رژیم تزاری از جمله اعضای سفارت و افسران قزاق در سوم نوامبر به اقامتگاه کولومیتسوف حمله بردند و اعضای هیئت شوروی را توقیف و اموال آنها را غارت کردند. کولومیتسوف توانست فرار کند و پس از مشقات فراوان از راه باکو به مسکو برسد.

در سال 1919 دولت شوروی که تا حدودی بر ژنرال‌های ضدانقلابی پیروز شده بود یکبار دیگر به فکر تجدید روابط با ایران افتاد لذا طی اعلامیه‌ی مورخ 16 ژوئن 1919 مفاد اعلامیه‌ی قبلی خود را تکرار نمود و چند هفته بعد مجدداً کولومیتسوف را به ایران فرستاد. این بار وی دارای استوارنامه‌ی معتبر و همچنین طرح قراردادی بود که در آن تمام وعده‌های لنین در مورد الغای امتیازات تزاری و کاپیتولاسیون و بخشودن قروض و تحویل راهها و خطوط آهن و تأسیسات بندری ذکر شده بود. این طرح محتوی قسمت عمده‌ی شروط مناسبات ایران و شوروی بود که بعداً در قرارداد 1921 قید گردید.

کولومیتسوف به محض ورود به تهران طرح قرارداد مزبور را به وزارت امور خارجه تسلیم و آمادگی خود را برای مذاکره اعلام نمود. اما وثوق‌الدوله که مشغول مذاکره با انگلیسی‌ها درباره‌ی قرارداد دیگری بود حاضر به مذاکره با وی نشد و «فونتر» وزیر مختار تزاری نیز بیانیه‌ای صادر کرد و خود را تنها نماینده‌ی قانونی دولت روسیه شمرد. کولومیتسوف در جواب، نمایندگان رژیم سابق را خائن و وزیر مختار را فاقد صلاحیت دانست. با موافقت ضمنی وثوق‌الدوله، کولومیتسوف را قزاقهای ضد انقلاب که در خدمت دولت ایران بودند دستگیر و در ساری تیرباران کردند و جواهرات همراه وی را که برای احمدشاه آورده بود غارت کردند. این اقدام خصمانه، زمامداران شوروی را به شدت عصبانی کرد. به طوری که در سپتامبر 1919 «اسدبهار» را مدتی بازداشت و سپس از خاک شوروی اخراج کردند و به دنبال این واقعه هرگونه روابطی بین دو کشور تا زمان کودتای رضاخان قطع شد. اولین قرارداد مودت میان دو کشور روز 26 فوریه 1921 / 7 اسفند 1299 و 4 روز پس از کودتای رضاخان منعقد گردید. متعاقب این پیمان «روتشتین» اولین وزیرمختار اتحاد جماهیر شوروی در اردیبهشت سال بعد به تهران آمد.

پی‌نوشت‌ها:

-1.Nicolai Bravine.

-2.Ivan Kolomitsev.

با استفاده از

- اطلاعات ماهانه شماره 52، تیر 1331.

- تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انتشارات امیرکبیر